

نقش زنان در جنگ‌های عصر حکومت امام علی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۷

تاریخ تأیید: ۹۲/۱۰/۱۷

بتول مدنی*

چکیده: عصر حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بی‌تردید از دوره‌های برجسته تاریخ اسلام و تشیع محسوب می‌شود. این عصر را می‌توان به لحاظ سیاست‌ها و فعالیت‌های امام علی علیه السلام، عصر احیای فرهنگ قرآنی و سنت نبوی، رفع تبعیض و اجرای عدالت اجتماعی نام نهاد. (فلاح‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹ش، ص ۴۲) این دوره شاهد سه جنگ بزرگ داخلی بود که می‌توان وقوع آنها را ناشی از کجروی‌های پیشین جامعه دانست؛ و زنان نیز به نوعی در این جنگ‌ها به ایفای نقش پرداختند. هدف اصلی نوشتار حاضر، بررسی نقش زنان در جنگ‌های این دوره است. این مقاله در پی بررسی نقش و جایگاه زنان مسلمان در جنگ‌های عصر علوی، به بیان انگیزه و نقش عایشه در فرماندهی و لشکرکشی بر علیه امیرالمؤمنین علیه السلام، نقش زنی چون صفیه بنت حارث که بستگانش در جنگ بدر، احد و جمل، به دست امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شدند، تلاش و کوشش زنانی مؤمنه در هدایت و پیش‌گیری از وقوع جنگ، خطابه‌های آتشین بانوان در جنگ‌ها، تهییج مجاهدین و تحقیر دشمن و بالاخره زندان، اسارت و شهادت زنانی چند در راه دفاع از ولایت، پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: نقش - زنان مسلمان - جنگ - حکومت امام علی علیه السلام

مقدمه

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جوامع در بسیاری از حوادث و وقایع اجتماعی نقش دارند. این نقش نه تنها در امروز بلکه در گذشته‌های تاریخی و در سرزمین‌های مختلف وجود داشته است. بررسی نقش زنان در تحولات مختلف اجتماعی در گذشته اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی موضوعی با ارزش است که حاصل آن می‌تواند برای جوامع امروزی نیز مفید باشد.

عصر حکومت امام علی علیه السلام هر چند دوره‌ای کوتاه بود، اما بررسی ابعاد مختلف آن، به خصوص نقش زنان در جنگ‌های آن دوره، بسیار با اهمیت است.

هر چند در نگاه اولیه نسبت به حضور زنان در جنگ‌های عصر حکومت امام علی علیه السلام نظرات به حضور عایشه در جنگ جمل معطوف می‌شود و ابعاد این حضور قابل بررسی است؛ اما حضور زنان در آن عصر فقط به این مسأله محدود نمی‌گردد؛ بلکه برعکس، در جبهه امام علیه السلام چه در جنگ جمل و چه صفین شاهد حضور بانوانی با ایمان هستیم که به نقش آفرینی پرداخته‌اند.

در این مقاله نخست به طور اجمال به بررسی نقش زنان در جاهلیت و عصر نبوی اشاره و سپس به بررسی نقش زنان در جنگ‌های حکومت امام علیه السلام پرداخته می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در یکی از جنگ‌های عرب جاهلی با سربازان کسرای ایران، همین که عرب‌ها مشرف به شکست شدند، «صفیه» دختر ثعلبه برخاست و ریسمان شترها را برید و زن‌ها و بچه‌ها از روی شترها به زمین افتادند. جنگجویان با دیدن این صحنه، چنان به جنگیدن و مبارزه کردن تحریک شدند، گویا مرگ را بر حیات ترجیح می‌دادند. (واعظی، ۱۳۸۸ش، صص ۱۳۵-۱۶۰)

بنابر نمونه‌های یاد شده و دیگر مواردی که برای خودداری از اطاله کلام از ذکر آنها صرف نظر شد، زنان مشرکین و کفار در جنگ‌ها مشارکت داشتند؛ تا آنجا که در نقش رهبری و فرماندهی جنگ نیز نام زنی چون «ام قرفه» (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۷۱) به چشم می‌خورد.

عهد نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز شاهد نقش آفرینی زنان مسلمان و با ایمان در ابعاد مختلف صحنه‌های نبرد بود. تفاوتی که در این زمینه نسبت به زمان جاهلیت دیده می‌شود، به نوع نگاه اسلام به زن مربوط می‌شود که باعث شد زنان با انگیزه‌های عالی و ارزشمند در این زمینه به ایفای نقش بپردازند. ذکر نمونه‌هایی از حضور درس آموز بانوان مسلمان در جنگ‌های عهد نبوی مؤید این مطلب است؛

«نسیبه» معروف به «ام‌عمار» یکی از زنان نام‌دار صدر اسلام است که شجاعتش در احد و دیگر جنگ‌ها زینت بخش صفحات تاریخ اسلام گشته است. (واقعی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۶۷) نسیبه نه تنها خود پیکار کرد، بلکه پسرش را نیز از فرار بازداشت. (ابن سعد ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۰۳)

وی در جنگ با مسیلمه کذاب در عهد ابوبکر نیز حضور داشت و دستش قطع شد. (ابن

حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۴۴۱)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زنان در جنگ‌های عصر علوی

حیات پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی به پایان رسید که جانشینی و خلافت، آن گونه که حضرت، توصیه فرموده بودند، نشد و از مسیر حق دور افتاد و شد آنچه شد. وضعیت رو به انحطاط جامعه مسلمانان و انحراف در جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله از مسیر صحیح، مشکلات عدیده‌ای را سر راه امام علیه السلام قرار داده بود. امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد وضعیت جامعه و مسلمین بعد از بیعت مردم با حضرتشان فرمودند:

«آگاه باشید! تیره روزی‌ها درست همانند زمان بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بار دیگر به شما روی آور شده است.» (محمدی، دشتی ۱۳۶۹ ش، ص ۱۰، خ ۱۶)

از دیدگاه شهید مطهری، یکی از عوامل انحطاط مسلمانان انحراف جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله از جایگاه واقعی خویش است. شهید مطهری می‌گوید:

«مسئله یکی از علل این امر حوادثی است که در اوضاع اجتماعی مسلمین ابتدا به وسیله دستگاه‌های خلافت پدید آمد و بعد دنبال شد... یک جامعه طبقاتی درست شد که با منظور اسلام ابداء وفق نمی‌داد و جامعه منقسم شد به یک طبقه فقیر که نان خود را به زحمت می‌توانست به دست آورد و یک طبقه مبدّر و مغرور که نمی‌دانست با آنچه در چنگال دارد چه بکند. وضع زندگی عمومی وقتی شکاف بردارد، زمینه برای اجرا و عمل به دستورها باقی نمی‌ماند.» (مطهری، بی تا، ص ۱۳۹)

حضرت برای اجرای صحیح دین و شناساندن اسلام بدون انحراف به مردم، مجبور بودند دست به یک سری تغییرات و تحولاتی بزنند و در این راستا، فرمودند:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جنگ جمل و حضور زنان

گرچه شکل‌گیری جنگ جمل به کارگردانی «عایشه»، با بهره‌گیری از عنوان همسری پیامبر صلی الله علیه و آله و «ام المؤمنین» و همراهی برخی زنان با وی یکی از صحنه‌های تلخ و ناگوار این دوره است، لیک حضور شجاعانه زنان متعهد در زمینه‌های مختلف - از راهنمایی و ارشاد گمراهان گرفته تا اسارت و شهادت - باعث سرفرازی زنان در تمامی تاریخ اسلام است. در این نوشتار ابتدا چگونگی حضور زنان در جبهه دشمن، بیان خواهد شد و سپس حضور زنان مؤمن و متعهد در جبهه امام علیه السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- زنان در جبهه مخالف

جنگ افروزی عایشه

شکل‌گیری جنگ جمل به وسیله «عایشه» دختر ابوبکر و همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و به تحریک طلحه، زبیر، عبدالله بن زبیر و برخی دیگر بود. در واقع مهره اصلی این جنگ که دیگران در پناه او توانستند پیمان شکنی کرده، به نبرد با امیرالمؤمنین علیه السلام بپردازند، عایشه بود.

مهمترین دستاویز این پیمان‌شکنان آن بود که عثمان مظلوم کشته شده است. این امر در حالی مطرح می‌شد که طلحه، عایشه و زبیر از کسانی بودند که بیشترین سهم را بر آشوبی که منتهی به قتل عثمان شد، داشتند. (جعفریان، ۱۳۸۱ش، ص ۶۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عایشه در سخنرانی که بین مردم مکه بعد از کشته شدن عثمان داشت، دشمنی خود با عثمان و تمایلش را برای انتخاب طلحه به خلافت چنین مطرح کرد:

«خدا او را از رحمتش دور گرداند، گناهانش وی را به ورطه هلاکت انداخت، و این گونه در چنگال مجازات اعمال خویش قرار گرفت. ای مردم! کشته شدن عثمان شما را دلگیر و محزون نسازد!... اگر عثمان کشته شد، اینک طلحه بهترین و لایق‌ترین مردم برای مقام خلافت، در میان شما حاضر است، با او بیعت کنید و از اختلاف و تفرقه بپرهیزید!!» (همان، ص ۳۶)

علامه بزرگ مصری، شیخ محمود ابوریه، از دانشمندان بزرگ اهل سنت، پس از مطالعه نسخه عربی کتاب علامه عسکری در مقاله‌ای ضمن تایید کتاب مزبور، نسبت به نقش عایشه در قتل عثمان چنین می‌نویسد:

«مؤلف در این کتاب با دلائل تاریخی ثابت می‌کند که کشته‌ی عثمان همان عایشه بود، زیرا عایشه بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، خلیفه اول و دوم را مورد تایید و تصدیق قرار داد، و همان طور در اوایل خلافت عثمان با وی نیز مماشات نمود، ولی بعداً روی علیل و عوامل خاصی راه مخالفت پیموده، مردم را علیه عثمان شورانید تا آنجا که به قتل وی فرمان داد.» (همان، ص ۱۷)

شخصیت سیاسی عایشه

عایشه در طول خلافت عثمان تغییر موضع سیاسی بسیاری داشت. در آغاز همراهی با عثمان، سپس مخالفت و تحریک مردم بر قتل عثمان، و در نهایت بعد از کشته شدن عثمان و انتخاب علی علیه السلام به خلافت، ناگهان با تغییر موضع مجدد، علم خون‌خواهی عثمان بر دست



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و یک صف واحد قرار دهد و به عنوان خون خواهی عثمان لشگری به وجود بیاورد؟ واقعاً او چه مهارتی داشت که توانست علی علیه السلام را که کوچک‌ترین دخالتی در قتل عثمان نداشت، به قتل وی متهم سازد و او را قاتل معرفی نماید و با سوابق درخشان و روشنی که داشت، مسلمانان را علیه وی بشورانند؟ (همان، ص ۲۵)

انگیزه‌های دشمنی عایشه با علی علیه السلام

عایشه علاقه‌مند به بازگشت خلافت به «بنی تمیم» بود. وی در مکه شنید که عثمان کشته شده و طلحه به جای وی آمده است. عایشه بسیار خوشحال شده و به سوی مدینه به راه افتاد و تا منطقه سرف آمد. در آنجا شنید که مردم با علی علیه السلام بیعت کرده اند. وی با شنیدن خبر از همان جا به مکه بازگشت و فریاد مظلومیت عثمان را سرداد (جعفریان، ۱۳۸۱ ش، ص ۸۲) و از همین زمان دشمنی دیرینه خویش با علی علیه السلام را کاملاً بروز داد، به تحریک مردم بر علیه حضرت همت گماشت.

شیخ مفید در «الجمل» جریان دشمنی عایشه با عثمان، خون خواهی عثمان و در نهایت

دشمنی با علی علیه السلام را چنین بیان می‌کند:

«کوشش او در عهدشکنی و فرمانش به اینکه خون علی علیه السلام را بریزد، ربطی به کشته شدن عثمان نداشته، و باطن او غیر از ظاهر اوست و ستیزه او با امیرالمؤمنین علی علیه السلام انگیزه‌های دیگری دارد که نزد اشخاص آگاه از دیرباز تاکنون مشهور است و اغراض آنان در این کارها دشمنی با علی علیه السلام بوده است.» (مفید، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۴۹)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شد و در حضور جمع فرمود: "فردا پرچم را دست کسی خواهم سپرد که خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله را دوست دارد و خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله هم او را دوست دارند و او حمله کننده است و گریزنده نیست و باز نخواهد گشت مگر اینکه خداوند فتح و پیروزی را به دست وی نصیب کند." پرچم را به من عنایت کرد و من آنقدر مقاومت کردم تا خداوند به دست من آن را گشود و پدر عایشه از این امر اندوهگین شد و بر من کینه گرفت و حال آنکه مرا در این باره گناهی نبود و عایشه به سبب کینه پدر بر من کینه گرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله پدر وی را برای ابلاغ سوره براءت فرستاد و دستور داد پیمان با مشرکان را لغو کند و او حرکت کرد، آنگاه خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله وحی کرد که او را برگرداند و آیات را از او بگیرد و به من تسلیم کند و پدرش می دانست که این فرمان خداست و خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله وحی کرده بود که این آیات را باید مردی از تو ابلاغ کند و من از پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و او از من بود. با این وجود، عایشه به سبب کینه پدرش بر من کینه گرفت.

عایشه بر خدیجه، دختر خویلد خشمگین بود و او را خوش نمی داشت، همچنان که زن - های یک مرد نسبت به یکدیگر چنین اند و عایشه می دانست که پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار به یاد خدیجه است و خاطره او را گرامی می دارد و این امر هم بر او گران آمد و این حالت او نسبت به فاطمه علیه السلام، دختر خدیجه هم وجود داشت و مرا و فاطمه و خدیجه را دوست نداشت و بر ما کینه می ورزید و این حالت میان هووها معروف است. (مفید، صص ۴۰۹-۴۱۱)

موارد مذکور به اضافه شخصیت سیاسی عایشه و نیز جاه طلبی وی زمینه ساز دشمنی بیشتر وی با حضرت شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عایشه، طلحه و زبیر بر آن شدند تا آنها را از جنگ و کشته شدن مسلمانان منصرف کنند؛ ولی هیچ یک نپذیرفتند. (طبری، ۱۳۸۷ش، ج ۴، ص ۴۶۲-۴۶۳)

وقتی فرستادگان عثمان بن حنیف موفق نشدند عایشه و همراهانش را از جنگ برحذر دارند، وی آماده باش جنگی داد و در پی آن عایشه بر شتر سوار شد و با مردم سخن گفت:

«همانا عثمان بن عفان تغییر و تبدیلهایی در سنت می‌آورد و همواره گناه خود را با توبه پاک می‌کرد تا اینکه چون زر ناب می‌شد؛ در این حال بر او شوریدند، او و گروهی را که همراه وی در خانه بودند به ظلم و ناحق کشتند و پس از آن بدون اینکه مردم بخواهند یا شورایی و اختیاری باشد، علی را برگزیدند. علی کار مردم را با زور از دست آنها بیرون کشید... ما که در مورد شما از تازیانه عثمان خشمگین بودیم، حال چگونه در مورد شمشیرهایی که بر عثمان زده شده خشمگین نباشیم؟ به درستی که این کار روبراه نخواهد شد مگر همانند کار عمر شورایی تشکیل شود که هیچ یک از قاتلان عثمان در آن شرکت نداشته باشند.» (مفید، ۱۳۸۸ش، صص ۲۷۸-۲۷۹)

خبر شورشیان به امام علیه السلام رسید. حضرت نیز سپاهی برای مقابله با آنها فراهم کرده، سوی بصره حرکت کردند. پس از رسیدن سپاه امام علیه السلام به سپاه عایشه، حضرت بارها طی خطابه‌ها و نامه‌هایی که خود و یاران و فرزندان‌شان داشتند، سعی کردند آنها را از جنگ منصرف کنند، (همان، صص ۳۱۰-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۶-۳۱۷-۳۲۷) ولی فایده‌ای نداشت و بالاخره جنگ با پرتاب تیر از سپاه عایشه آغاز شد؛ (یعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۲) و عایشه در حالی که در هودج و بر شتری سوار بود در میدان جنگ حضور یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«تو حقّ داری مرا دشمن داری زیرا که جدّ تو را روز بدر و عمّ تو را روز احد و شوهر تو را دیروز من کشته‌ام. اگر چنانکه می‌گویی من کشنده دوستان بودمی، هر کس را که در این سراسر بکشتمی. عایشه و زنان دیگر چون این سخن از علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدند، دیگر دم نزدند.» (مستوفی هروی، ۱۳۷۲ش، ترجمه الفتوح، ص ۴۳۸-۴۳۹)

نقش منفی عایشه و تاثیر وی در شعله‌ور کردن جنگ جمل به طور خلاصه بیان شد. همچنین به حضور تنی چند از زنان هم عقیده با عایشه و هم دردی با وی نیز اشاره شد. این دو مورد از حضور و نقش آفرینی منفی زنان در جنگ جمل خبر می‌دهد. لیک خوشبختانه در این واقعه تاریخی نام بانوان مؤمنه‌ای نیز خوش می‌درخشد و سعی و تلاش شایسته آنها تحسین برانگیز است که در بخش بعدی چگونگی نقش آنها بازگو خواهد شد.

۲- زنان در جبهه امام علیه السلام

ام سلمه و جنگ جمل

در بخش گذشته جایگاه و نقش عایشه در جنگ جمل و نیز همراهی گروهی دیگر از زنان با وی به طور اجمال ذکر شد. اکنون به نقش مثبت تنی چند از بانوان در جنگ‌های عصر علوی اشاره خواهد شد:

«ام سلمه» همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، این بانوی حکیم و خردمند به پیروی از مولای خود حضرت علی علیه السلام در رابطه با عثمان برای حفظ وحدت جامعه اسلامی از هرگونه رویارویی تند پرهیز نمود، بر خلاف عایشه که عثمان را (نعل) می‌خواند. او در مقابل بی عدالتی خلیفه با کمال وقار و متانت زبان به ارشاد گشود و گفت:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

همچنین «ام سلمه» همسر پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از بانوانی است که سعی وافر وی در بازداشتن عایشه از جنگ با امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع آمده است. هنگامی که عایشه قصد قیام کرد، نزد ام سلمه رفت و او را به همراهی فراخواند. لیکن این بانوی مؤمنه نه تنها با وی همراهی نکرد بلکه سعی کرد با یادآوری مطالبی از پیامبر صلی الله علیه و آله او را متوجه خطا و عصیانش کند؛ لذا در پاسخ درخواست عایشه، چنین گفت:

«ای دختر ابوبکر، من در این معنی تعجب می‌کنم که تو خون عثمان طلب می‌کنی؟! مگر نه اینکه مردمان را بر کشتن او تحریض می‌نمودی و او را پیر گفتار می‌خواندی؟ تو را با طلب خون عثمان چه کار؟ ... میان شما خویشاوندی ظاهر نیست و در حال حیات او هم تو را موافقتی نمی‌دیدم. اکنون این چه غلو است که پیش گرفته و بر علی بن ابی طالب علیه السلام که پسر عم رسول خداست بیرون می‌آیی و خلافت او را نمی‌پسندی؟ حال آنکه جمله مهاجر و انصار با او بیعت کرده‌اند و بر خلافت و امامت او با میل و رغبت راضی شده‌اند و تو فضل و فضیلت او را، خوب می‌دانی.» (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، صص ۴۵۴)

عبدالله بن زبیر که همراه عایشه نزد ام سلمه آمده بود و سخنان ام سلمه را می‌شنید، وارد گفتگو شد و برای خنثی کردن اثر سخنان ام سلمه سعی کرد آنها را به خصومت شخصی ام سلمه با خاندان خود تبدیل کند؛ از این رو بود که گفت: .

«ای ام سلمه، تا چند چنین گویی. ما دشمنی تو در حق خود شناختیم که هیچ وقت ما را دوست نداشته و نخواهی داشت.» (همان، ۴۵۴)

ولی ام سلمه هوشیارانه مسیر گفتگو را به قبل بازگرداند و به عبدالله فهماند، مسئله شخصی نیست بلکه سخن از ولی امر مسلمین است؛ لذا در پاسخ عبدالله بن زبیر گفت: .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با علی علیه السلام گرایش داشت و این گونه بود که به سوی نبرد با ولی خدا رفت و باعث ریخته شدن خون بسیاری از طرفین شد.

همان طور که ذکر شد، در جریان حرکت عایشه و اطرافیانش به سوی بصره برای جنگ جمل، متاسفانه نصیحت‌های «ام سلمه» در عایشه کارگر نیفتاد. لذا ام سلمه وظیفه بعدی خویش را به عنوان یک زن مسلمان و مسؤول آغاز کرد. وی خبر خروج عایشه، طلحه، زبیر و دیگر همراهانشان را طی نامه‌ای به امیرالمؤمنین علیه السلام رساند و در ادامه‌ی نامه چنین نوشت:

«اگر نه آنست که خدای تعالی زنان را نهی فرموده است که از خانه بیرون آیند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این موضوع اصرار فرموده، بیرون می‌آدمم و به همراه تو حرکت می‌کردم. اما عذر ظاهر است، در خلاف امر خدای تعالی و اشارت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نتوانم کرد، عمر بن ابی سلمه که فرزند من است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم او را دوست داشت، به خدمت تو فرستادم تا در خدمت تو به هر کاری که اشارت فرمایی قیام نماید.» (ابن اعثم کوفی ۱۴۱ق، ج ۲، صص ۴۵۵-۴۵۶)

همچنین، نقش «ام سلمه» در جریان حمله بسرین ارطاة به مدینه و ارشاد جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در پیش‌گیری از بی‌ثمر ریخته شدن خون وی و افراد قبیله‌اش، قابل توجه است؛

«بسر بن ارطاة» مردی سفاک و خونریز بود. وی به دستور معاویه به شهرها می‌رفت و از مردم برای معاویه بیعت می‌گرفت و اگر حاضر به بیعت نمی‌شدند قتل و غارت وحشیانه‌ای می‌کرد. وقتی به مدینه آمد، بنی سلمه که قبیله جابر ابن عبدالله انصاری بودند، برای بیعت نزد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«ای امیرالمؤمنین علیه السلام به خدا قسم از روی جهالت در جنگ یاور تو نشدم بلکه کلام ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله را شنیدم که گفت: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست... و واگذار آنکه او را واگذارد. پس نخواستم مورد خذلان و واگذاری پروردگارم شوم.» (همان، ج ۳۲، ص ۱۸۸)

میمونه و جنگ جمل

«میمونه» دیگر همسر پیامبر صلی الله علیه و آله است. وی زمانی که در جریان جنگ‌های داخلی، بسیاری از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام دچار شک و تردید شده بودند، توانست با سخنان حکیمانه خود باعث هدایت و راهنمایی بسیاری از آنها شود. «جدی» عامری یکی از ره‌یافتگان به دست این بانوی بزرگوار است. جدی تصمیم به همراهی با سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام گرفته بود ولی دچار شک و تردید شد؛ لذا به مدینه نزد میمونه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و مشکلش را با وی در میان گذاشت. میمونه در پاسخش چنین گفت: .

«با او همراه باش. هرگز گمراه نمی‌شود و گمراه نمی‌کند.» (ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۵۶)

لیلا غفاریه و جنگ جمل

یکی دیگر از بانوان متعهد «لیلا غفاریه» است. این بانوی مؤمنه زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام در جریان حرکت سپاه جمل احساس وظیفه نموده، سعی کرد تا عایشه را متوجه خطا و اشتباهش کند. لذا احادیثی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مدح علی علیه السلام و ایمان کامل وی شنیده بود به عایشه یادآور شد تا شاید او را از فتنه باز دارد. (حسون، مشکور، ۱۴۱۱ق، صص ۶۰۸-۶۰۹)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعداد این بانوان چهل، بیست یا هفتاد، چندان فرقی ندارد، مهم وجود تعداد بی‌شماری بانوی رزمنده و قابل اعتماد در شهری مثل کوفه است که گوش به فرمان حضرت بودند و حاضر شدند مأموریتی این چنین خطیر را انجام دهند.

جنگ صفین و حضور زنان

زمان زیادی از خوابیدن فتنه جمل نگذشته بود که این بار معاویه لشکر عظیمی از شام تدارک دیده، به بهانه خون‌خواهی خلیفه مقتول به جنگ با امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمد و جنگ صفین شکل گرفت. در این جنگ، نیز زنان بسیاری حضور داشتند ولی از حضور بانوان مخالف امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع چیزی ذکر نشده است؛ از همین رو، در این قسمت، به بررسی نقش زنان ولایت مدار پرداخته می‌شود.

یکی از بانوان مؤمنه‌ای که در صف اطلاع‌رسانان اخبار به امام علیه السلام است؛ «همسر هیثم بن اسود مذبح» کوفی است. هیثم یکی از فرماندهان و مشاوران بلندپایه معاویه و همسرش از ارادتمندان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. وی به واسطه همسری هیثم از اخبار مهم اردوگاه معاویه باخبر می‌شد و آنها را می‌نوشت و به گردن اسب‌ها می‌بست. سپس به بهانه فروش اسب‌ها آنها را به سوی لشکر امام علیه السلام می‌فرستاد و به این وسیله اطلاعات مهم جبهه دشمن را به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌رساند. (همان، ج ۲، ص ۵۴۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سخنان این بانو آنقدر برای معاویه سنگین بود که چند سال بعد او را به دربار خویش فرا خواند و از حضار خواست تا آنها را بازگو کند؛ یکی از حاضرین از آغاز تا پایان سخنان این بانوی مبارز را بازگو کرد. در این هنگام معاویه به خشم آمده، گفت: .

«ای ام‌الخیر؛ با سخنانت قصدی نداشتی جز کشتن من. اکنون اگر تو را بکشم بر من حرجی نیست.» (همان)

در این هنگام پاسخ شجاعانه ام‌الخیر در مقرر قدرت دشمن بسیار تحسین برانگیز است. وی معاویه را با تحقیر خطاب کرده و گفت:

«ای پسر هند جگرخوار به خدا قسم مرا ناراحت نمی‌کند این کار را پروردگار به دست کسی انجام دهد که شقاوت او وسیله‌ی سعادت من گردد.» (همان)

«زرقاء» دختر عدی بن غالب، از اهالی کوفه از بانوان شجاع و سخنور عصر امیرالمؤمنین علیه السلام است. وی در جنگ صفین حضور داشت و سخنان بلیغ و استوارش تاثیر مثبت بر سربازان جبهه حق نهاد. وی در بخشی از سخنانش، رزمندگان را چنین به ادامه نبرد تشویق کرد:

«خضاب زنان و رنگ موی زنان حناست و خضاب مردان خون. بشتابید به سوی نبرد.» (ابن اعثم، ج ۳، ص ۸۸) *رتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

سخنان این بانوی شجاع نه تنها باعث تشویق رزمندگان حق شد، بلکه خشم معاویه را نیز برانگیخت و بعد از استقرار حکومتش وی را به دربار خود فراخواند و پس از یادآوری سخنانش در صفین، به او گوشزد کرد که با علی در ریختن خون مردم شریک است. (همان)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نفست تو را در خلوتت فریفته و آرزومند کرده و عمروعاص و سعید تو را گول زده اند.

پس بدبخت و بد شانس بازگرد؛ زیرا همای سعادت بر سر علی نشسته است.

در ادامه سعید نیز ابیاتی از اشعار این زن بزرگوار در جنگ صفین را خواند و سپس مجلس را سکوت فرا گرفت. در این هنگام بکاره رو به معاویه گفت: .

«ای امیرالمؤمنین سگ‌های دربارت پارس کردند و عوعو کنان زوزه کشیدند ولی عصای من کوتاه و صدایم ضعیف و چشمم نابیناست که بتوانم آنها را از خود دور کنم. تو نیز هرچه می‌خواهی با من بکن که در زندگی بعد از امیرمؤمنان علیه السلام خیر و برکتی نیست.» (همان، صص ۵۳-۵۴)

گفتن چنین سخنان تندی در میان دشمنان آن هم در زمانی که سخن گفتن از امیرالمؤمنین علی علیه السلام جرم سنگین و نیازمند جرات و جسارت فوق‌العاده‌ای است، در توان هر کسی نیست.

«سوده همدانی» دختر عماره بن اشتر از جمله زنانی است که در جنگ صفین با اشعاری حماسی برادرش را در محاربه با دشمن تشجیع کرد. در زمان خلافت معاویه برای عرض شکایتی از بسرین ارطاء که از طرف معاویه بر آنها حکم می‌راند، به دربار معاویه آمد. معاویه اشعاری را که سوده در صفین خوانده بود به او یادآور می‌شود. سوده در پاسخ گفت: .

«آری به خدا قسم مثل منی از حق رو گردان نیست و عذرخواهی دروغین نمی‌کند.» (همان،

ص ۴۷)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سوگ نامه سرایان

همان طور که در بخش‌های گذشته گفته شد زنان مبارز و با ایمان در پیکارهای عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام نهایت رشادت و شجاعت را از خود نشان دادند. همین بانوان بزرگوار در رسای شهیدان نیز با صبوری هرچه تمامتر سوگ‌نامه‌هایی را انشاد کردند که جاودانه تاریخ شدند؛

«امیمه» زنی از انصار بود که در سوگ مالک بن تیهان چنین سرود:

منع الیوم أن ادوق رقادا مالک اذ مضی و کان عمادا

از امروز که مالک، آن پشتوانه دلیر کشته شد دیگر طعم خواب و آسودگی را نچشم.

ای ابا الهیثم بن تیهان اینک وجودم انباشته از غم و اندوه شده است.

هنگامی که آن فاسق حق ناشناس بر ایشان تاخت، و چنین شبیخون ناجوانمردانه عادت

او بود.

مانند کسانی گشتند که به روز احد شهید شدند، خداوند شما را با این پیکرهای آغشته به

خون غریق رحمت کند. (نصرین مزاحم، منقری، ۱۳۷۰ش، ص ۵۰۱)

«ضبیعه» دختر خزیمه بن ثابت نیز از جمله بانوان بلیغی بود که در سوگ پدر خود، ذو

شهادتین چنین سرود:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یا رب ان مسلما اتاهم	بمصحف ارسله مولا هم
للعدل و الايمان قد دعاهم	یتلو کتاب الله لایخشاهم
فخضبوا من دمه ظبا هم	یتلو کتاب الله لایخشاهم

تامرهم بالنی لا تنهاهم (ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۱۲)

خدایا، مسلمانی دعوتشان کرد کتاب خدا را می‌خواند و از آنها بیم نداشت.

و ریش‌هاشان از خون او رنگین بود. مادرشان ایستاده بود و می‌دیدشان که دل به گمراهی داشتند ولی آنها را از جنایت نهی نمی‌کرد. (طبری، ترجمه، ج ۶، ص ۲۴۳۹)

عبیدالله بن عباس از طرف امیرالمؤمنین علی علیه السلام در یمن بود. بسر بن اوطاه به دستور معاویه به شهرها حمله می‌کرد و کشتار ظالمانه از زن و مرد و کودک می‌کرد. چون بسر به یمن رسید، دو کودک عبیدالله را سر برید. «جویریة» کنانی، مادر این دو کودک در مرگ فرزندانش مرثیه گفت:

ها من احس پنی اللذین هما سمعی و قلبی فقلبی الیوم مختطف...

هان، کسی که دیده است دو پسرکم را، دو پسری که گوش من و دل من اند، پس امروز دلم ربوده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سازند. کشته شدن این افراد و اینکه خوارج حاضر نشدند قاتلین را برای قصاص به امیرالمؤمنین علیه السلام تحویل دهند و قتل را همگی به گردن گرفتند، (مسعودی، ج ۲، ص ۴۰۴-۴۰۵)، یکی از زمینه‌های شکل‌گیری جنگ نهروان شد. اکنون به مواردی از این دست اشاره می‌شود؛

«همسر عبدالله بن خباب» را که از شیعیان علی علیه السلام بود، به جرم این که گفته بود؛ نصب حکمین مخالف شریعت سیدالمرسلین نبوده، بی‌رحمانه به قتل رساندند. "ام سنان صیداوی" را نیز به جرم ارادت به امیرالمؤمنین علیه السلام به قتل رساندند. (همان، ص ۲۰۷) به گفته ابن اثیر، عبدالله را کتف بستند و بعد از سؤال از حکمین و اظهار ارادت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مقابل چشمان همسرش سر بریدند و همسرش را در حالی که باردار بود، شکمش را شکافتند و کشتند و بعد سه زن دیگر از قبیله طیّ و «ام‌سنان» صیداوی را هم کشتند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ش، ج ۳، صص ۳۴۱-۳۴۲) ابن قتیبه، ام‌سنان را همان صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌داند. وی یکی از بانوان شجاعی بود که بارها در جنگ‌های زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشت. (دینوری، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۶۸)

زنان شیعه‌ایی هم در شهر انبار هنگام حمله لشکر معاویه به مناطق تحت نفوذ حکومت علی علیه السلام به دست عوف بن سنان به شهادت می‌رسند. (آیت‌اللهی، ۱۳۸۰ش، ص ۸۰)

مقاومت و پایداری زنان مسلمان صدر اسلام در راه ایمان و عقیده، تا مرز شهادت مختص زمان رسول خدا نبوده، بلکه در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ادامه داشت و ثمره خون این عزیزان تداوم بخش راه دفاع از ولایت برای نسل‌های بعد و بعدی شد و دخت نبی مکرم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«خدا فرزندت را یتیم کند و خانواده‌ات را از تو ترسان کند و تو را نیامرزد.» (زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۳۶)

معاویه با شنیدن سخنان آمنه، وی را به دربار فراخواند و از او پرسید: .

«ای دشمن خدا تو گوینده سخنانی هستی که به گوشم رسیده است؟» (همان)

در پاسخ با کمال شجاعت اقرار کرد و گفت: .

«به خاطر سخنانم عذرخواهی نخواهم کرد و سخنانم را انکار نخواهم کرد.» (حسون و مشکور، ۱۴۱۱ق، صص ۸۹-۹۱)

نتیجه و جمع بندی

آنچه از نظر گذشت، گویای دو جریان مثبت و منفی حضور زنان در جنگ‌های عصر امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان کوتاه خلافت ظاهری حضرت بود، که در منابع از آنها یاد شده است. زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام زمام امور را به دست گرفتند، جامعه اسلامی از مسیر صحیح فاصله گرفته بود، بسیاری از صحابه برجسته غرق در زر و زیور دنیا شده و به زندگی اشرافی خو کرده بودند، ارزش‌های اصلی دین رنگ باخته بود و برخی نامداران گرچه با حضرت بیعت کردند ولی بیعتشان به طمع رسیدن به مقام و حفظ ثروت اندوخته از بیت المال بود؛ از همین رو به محض اینکه متوجه شدند، حضرت کسی نیست که چنین چیزها را بپذیرد، با عایشه که دل خوشی از حضرت نداشت هم داستان شده، علم مخالفت دست گرفته، جامعه را دچار تشنج



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مثال؛ گزارشی که گویای فرستادن تعداد زیادی از زنان کوفه و یا بصره برای حفاظت و همراهی با عایشه تا مدینه به دستور امیرالمؤمنین علیه السلام است، به همین مقدار اکتفا شده و هیچ سخنی پیرامون آن گفته نشده؛ لذا سؤالات متعددی را در ذهن پژوهش‌گر بی‌جواب می‌گذارد، همچون؛ این همه بانویی که صلاحیت حمل سلاح داشتند، از کجا آمدند؟ آیا آموزش‌های ویژه نظامی دیده بودند؟ اگر چنین آموزشی بوده، کجا و چگونه انجام می‌شده؟ آیا آموزش آنها به دستور حضرت و یا تحت نظارت آن جناب بوده یا خیر؟ و سؤالات متعدد دیگر. چنانچه گزارش جامع‌تری از این واقعه و بعضی وقایع دیگر رسیده بود، چه بسا بستر برای کارهای تحقیقاتی بیشتری در زمینه نقش زنان در جنگ‌های عصر علوی فراهم می‌شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- . کوفی، ابومحمد احمدابن اعثم، ۱۴۱۱ق، الفتوح، تحقیق علی شیری، ج ۱ و ۲، بیروت، دارالاضواء.
- . گروه تاریخ و پژوهش حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹، تاریخ تشیع، قم، سبحان.
- . منقری، نصرین مزاحم، ۱۳۷۰ش، وقعه صفین، ترجمه پرویز اتابکی، چاپ، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- . مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، ج ۳۴، بیروت، احیاء التراث العربی.
- . محمدی، کاظم و دشتی، محمد، ۱۳۶۹ش، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، قم، نشر امام علی علیه السلام.
- . مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۶۴ش، تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر.
- . مستوفی هروی، محمد بن احمد، ۱۳۷۲ش، ترجمه الفتوح، تحقیق غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- . مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، ۱۴۰۹ق، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، ج ۲، قم، دارالهجره.
- . _____، بی تا، التنبيه و الاشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دارالصاوی، بی تا.
- . مسکویه رازی ابو علی (م ۴۲۱)، ۱۳۷۹ش، تجارب الأمم، تحقیق ابو القاسم امامی، تهران، سروش، ج ۲.
- . مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الجمل والنصره لسید العتره فی حرب البصره، مصحح علی میر شریفی، قم، کنگره شیخ مفید ۱۱.
- . مغربی، نعمان بن محمد ابن حیون، ۱۴۰۹ق، شرح الاخبار فی فضائل ائمه الاطهار علیهم السلام، تحقیق محمدحسین حسینی جلالی، ۳ج، قم، جامعه مدرسین.
- . مطهری، مرتضی، ده گفتار، بی تا، قم، انتشارات صدرا.
- . مهدوی دامغانی، محمد، ۱۳۸۳ش، ترجمه الجمل شیخ مفید، تهران، نشرنی
- . واعظی، محمدجواد، زمستان ۱۳۸۸، وضعیت زن در جاهلیت، تاریخ در آینه پژوهش، ۲۴، صص ۱۳۵-۱۶۰
- . <http://tarikh.nashriyat.ir/node/313>
- . واقدی، محمدبن عمر، ۱۴۰۹ق، تحقیق مارسدن جونس، ۳جلد، چاپ ۲، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج ۱، ص ۲۷۲.
- . یعقوبی، احمدابن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب، بی تا، ۲تاریخ یعقوبی، جلد، بیروت، دارصادر، تاریخ یعقوبی، ج ۲.